Archive of SID

Asset Management and Financing
Vol. 7, Issue. 1, No. 24, Spring 2019
Received: 04/07/2018 Accepted:27.11.2018
PP:83-102

فصلنامه علمی- پژوهشی مدیریت دارایی و تأمین مالی
سال هفتم، شماره.اول، شماره پیاپی (۲۴) ، بهار ۱۳۹۸
تاریخ دریافت: ۹۷/۴/۱۳ تاریخ پذیرش: ۹۷/۹/۶
صص: ۸۳-۱۰۲

Investigating the Simultaneous Effect of Corporate Governance and Audit Quality on Earnings Quality with the Mediating Role of Capital Structure and Financial Performance

Mohammad Ramazan Ahmadi [1*], Abdolmajid Ahangari [2], Hamid Reza Hajeb [3]

1- Department of Accounting, Faculty of Economics and Social Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran
ahamadi_m@scu.ac.ir

2- Department of Economic, Faculty of Economics and Social Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran
a_m_ahangari@yahoo.com

3- Ph.D. Student, Department of Accounting, Faculty of Economics and Social Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran
hrhajeb@gmail.com

Abstract

Objective: Earnings quality is one of the most substantial features of financial reporting, influencing the optimal capital structure. This substantiality probably results from the fact that earning is generally considered as one of the main inputs of valuation models for both financial investors and analysts. This research aims to investigate the simultaneous effect of corporate governance and audit quality on accounting earnings quality, using structural modeling.

Method: With a sample of 2006 to 2015 and 700 firm-years, to analyze the data of the research period, structural equation modeling with partial least squares (PLS) approach and Smart-PLS software have been applied.

Results: The results of this research indicate that corporate governance and audit quality, directly and indirectly, through the mediating variable of financial performance, have a significant positive effect on the earnings quality; while, through the mediating variable of capital structure, the effect is significantly negative. Furthermore, our findings reveal that the direct impact of corporate governance and audit quality on earnings quality is stronger than their indirect effect.

Keywords: Earnings quality, Corporate governance, Audit quality, Capital structure, Structural modeling

بررسی تأثیر همزمان حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی بر کیفیت سود با نقش میانجی ساختار سرمایه و عملکرد مالی

محمد رمضان‌احمدی [۱*]، عبدالمجید آهنگری [۲]، حمیدرضا حاجب [۳]

۱- استادیار، گروه حسابداری، دانشکدهٔ اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران
ahamadi_m@scu.ac.ir

۲- دانشیار، گروه اقتصاد، دانشکدهٔ اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران
a_m_ahangari@yahoo.com

۳- دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، دانشکدهٔ اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران
hrhajeb@gmail.com

چکیده

هدف: کیفیت سود از ویژگی‌های مهم گزارش‌های مالی است که بر تخصیص بهینهٔ منابع تأثیر می‌گذارد؛ زیرا سود یکی از ورودی‌های اصلی الگوهای ارزیابی سرمایه‌گذاران و تحلیلگران محسوب می‌شود. هدف این پژوهش، بررسی تأثیر همزمان حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی بر کیفیت سود حسابداری با استفاده از الگویابی ساختاری است.

روش: به این منظور اطلاعات شرکت‌ها در فاصلهٔ زمانی ده‌ساله از ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴ بررسی و ۷۰۰ سال - شرکت انتخاب شد. برای تحلیل داده‌ها از الگویابی معادلات ساختاری با رویکرد حداقل مربعات جزئی (PLS) و نرم‌افزار Smart-PLS استفاده شده است.

نتایج: نتایج پژوهش نشان می‌دهد حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم (ازطریق متغیر میانجی عملکرد مالی) بر کیفیت سود تأثیر مثبت معنادار دارند؛ اما ازطریق متغیر میانجی ساختار سرمایه، به‌طور معناداری تأثیر منفی می‌گذارند. به‌علاوه یافته‌ها نشان‌دهندهٔ این است که تأثیر مستقیم حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی بر کیفیت سود، قوی‌تر از تأثیر غیرمستقیم آنهاست.

واژه‌های کلیدی: کیفیت سود، حاکمیت شرکتی، کیفیت حسابرسی، ساختار سرمایه، معادلات ساختاری

---

* نویسنده مسؤول

Copyright©2019, University of Isfahan. This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (http://creativecommons.org/licenses/BY-NC-ND/4.0), which permits others to download this work and share it with others as long as they credit it, but they can't change it in any way or use it commercially.

www.SID.ir

Doi: 10.22108/amf.2018.111931.1274

Archive of SID

مقدمه

هدف اولیهٔ حسابداری، فراهم کردن اطلاعات مفید برای سرمایه گذاران با هدف پیش بینی عملکرد واحد اقتصادی است. گزارش سود، منبع اولیه برای تصمیم گیری سرمایه گذاران، مدیران و تحلیلگران است که برای محاسبهٔ مالیات، ارزیابی عملکرد شرکت، مدیریت توزیع سود، مدیریت واحد اقتصادی و سایر موارد استفاده می شود. به‌علاوه، به‌دلیل اینکه ارزش یک شرکت با سودهای حال و آینده‌اش مرتبط است، تعیین سود اهمیت بسزایی دارد (هیئت استانداردهای حسابداری مالی، ۲۰۰۳).

به‌دنبال وقوع بحران‌های مالی پی‌درپی و ورشکستگی شرکت‌های بزرگ در سال‌های اخیر، دربارهٔ کیفیت گزارشگری مالی تردید شده و انگشت اتهام به‌سوی گزارشگری مالی نشانه رفته است؛ زیرا مدیران شرکت ها با استفاده از روش‌های مختلف حسابداری و عواملی از قبیل قضاوت، تخصیص و برآورد می توانند گزارش‌های مالی و سود را دستکاری کنند؛ بنابراین، استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی ناگزیرند کیفیت سود گزارش‌شده توسط واحدهای اقتصادی را ارزیابی کنند تا از میزان اطمینان به این رقم اطلاع یابند؛ زیرا گرفتن تصمیم نادرست به‌سبب اطلاعات ناکافی و ناصحیح موجب می‌شود تسهیم منابع به‌صورت ناعادلانه انجام شود و رفاه اقتصادی و اجتماعی در جامعه محقق نشود.

کشورهای در حال توسعه ازجمله ایران، دنبال سازوکارهای مؤثری‌اند که بتواند رفتار فرصت‌طلبانه و سودجویانهٔ مدیران را محدودتر کند تا کیفیت گزارشگری مالی بهبود یابد و سرمایه گذاران بیشتری به‌سمت بازار سرمایه گرایش پیدا کنند. تا به حال پژوهش‌های متعددی دربارهٔ کیفیت سود انجام شده است. بخشی از مبانی مربوط به کیفیت سود، چگونگی محاسبهٔ کیفیت سود را بررسی کرده است. حاصل این پژوهش‌ها، ارائهٔ الگوهایی متنوع و متفاوت برای محاسبهٔ کیفیت سود بوده است. طیف وسیعی از پژوهش‌های انجام‌شده دربارهٔ کیفیت سود، تأثیر عوامل مختلف بر کیفیت سود را بررسی کرده است. بررسی پژوهش‌ها نشان می دهد عواملی نظیر حاکمیت شرکتی (برگستاهلر[1] و دیچو[2]، ۱۹۹۷؛ ماتسوموتو[3]، ۲۰۰۲)، کیفیت حسابرسی (لین[4] و وانگ[5]، ۲۰۱۰؛ اشلمن[6] و گو[7]، ۲۰۱۴)، عملکرد مالی (دویل[8]، جی[9] و مک‌وی[10]، ۲۰۰۷؛ چان[11]، چان، جگادیش[12] و لکنیشوک[13]، ۲۰۰۶) و ساختار سرمایه (الزوبی[14]، ۲۰۱۸؛ باسیونی[15]، سلیمان[16] و رجب[17]، ۲۰۱۶) می‌تواند بر کیفیت سود مؤثر باشد. ازطرف دیگر، حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی (گامپرز[18]، ایشی[19] و متریک[20]، ۲۰۰۳) و ساختار سرمایه (رهنمای‌رودپشتی و اصلانی، ۲۰۰۸) تأثیر دارد. کیفیت حسابرسی نیز بر عملکرد مالی (بای[21] و چویی[22]، ۲۰۱۲) و ساختار سرمایه (باتیا[23]، علی[24]، بلاچندران[25] و جوردی[26]، ۲۰۱۵) اثرگذار است.

برگستاهلر و دیچو (۱۹۹۷) دریافتند که سرمایه گذاران شرکت های دارای مالکان متعدد و بدون

1. Burgstahler
2. Dichev
3. Matsumoto
4. Lin
5. Hwang
6. Eshleman
7. Guo
8. Doyle
9. Ge
10. Mcvay
11. Chan
12. Jegadeesh
13. Lakonishok
14. Alzoubi
15. Bassiouny
16. Soliman
17. Ragab
18. Gompers
19. Ishii
20. Metrick
21. Bae
22. Choi
23. Bahatia
24. Ali
25. Balachandran
26. Jurdi

www.SID.ir

Archive of SID

سهامداران عمده به جای پردازش دقیق اطلاعات موردنیاز خود، بر معیارهای کم‌هزینه‌ای مانند شاخص‌های مبتنی بر سود اتکا می‌کنند. آنان معتقدند هرچه تعداد سهامداران جزء یک شرکت بیشتر باشد، احتمال اتکا بر شاخص‌های سادهٔ سود افزایش می‌یابد. درنتیجه، اتکا بر شاخص های سود سبب افزایش احتمال مدیریت سود می‌شود. به‌علاوه، در شرکت‌های دارای سهامداران متعدد و متنوع در مقایسه با شرکت‌های دارای سهامداران عمده، احتمال انجام مدیریت سود بیشتر است. لین و وانگ (۲۰۱۰) برای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی از سه معیار اندازهٔ حسابرس، تخصص و دورهٔ تصدی حسابرس استفاده کردند و دریافتند که این معیارها رابطهٔ منفی با مدیریت سود دارند. دویل و همکاران (۲۰۰۷) به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های دارای عملکرد ضعیف، از رویه‌های حسابداری برای بهبود سود شرکت استفاده می‌کنند؛ بنابراین، کیفیت سود پایینی دارند. به‌طور خاص عملکرد ضعیف شرکت انگیزهٔ مدیریت سود را فراهم می کند. نتایج پژوهش الزوبی (۲۰۱۸) نشان می‌دهد کیفیت حسابرسی و اهرم مالی پایین، قابلیت و توانایی مدیریت سود را کاهش و کیفیت گزارشگری مالی را افزایش می دهد. همین‌طور بدهی زیاد، ریسک مدیریت سود را افزایش می‌دهد. گامپرز و همکاران (۲۰۰۳) بیان می کنند که ساختار حاکمیت شرکتی مناسب بر عملکرد شرکت و ارزش بازار آن تأثیر مثبت دارد. رهنمای رودپشتی و اصلانی (۲۰۰۸) به این نتیجه دست یافتند که با افزایش تمرکز مالکیت، به‌طور معناداری بر میزان تأمین مالی ازطریق بدهی افزوده می‌شود؛ یعنی طبق قاعدهٔ کلی، سهامداران اکثریت در ایران هم نمی‌خواهند با آوردن شرکای جدید کنترل خود را بر شرکت از دست بدهند. بای و چویی (۲۰۱۲) ارتباط میان تخصص حسابرس در صنعت و کارآیی سرمایه‌گذاری را بین شرکت‌های خدماتی بررسی کردند. نتایج به‌دست‌آمده نشان‌دهندهٔ این بود که تخصص حسابرس در صنعت با کارآیی سرمایه‌گذاری ارتباط مثبتی دارد. بهاتیا و همکاران (۲۰۱۵) رابطهٔ بین حق‌الزحمهٔ حسابرسی (معیار کیفیت حسابرسی) و نسبت بدهی را بررسی کردند. نتایج نشان‌دهندهٔ این بود که شرکت‌های با حق‌الزحمهٔ حسابرسی بیشتر، نسبت بدهی بالاتری دارند.

پژوهش‌های پیشین تأثیر متغیرهای گفته‌شده بر کیفیت سود را به‌صورت موردی و انفرادی بررسی کرده‌اند و هیچ کدام تأثیر همزمان حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی بر کیفیت سود و نقش میانجی عملکرد مالی و ساختار سرمایه را لحاظ نکرده‌اند. پژوهش حاضر، با توجه به عوامل مؤثر بر کیفیت سود شرکت شامل حاکمیت شرکتی، کیفیت حسابرسی، ساختار سرمایه و عملکرد مالی، به‌دنبال یافتن پاسخی برای این سؤالات است: روابط بین این متغیرها به چه صورت است؟ رابطهٔ بین کیفیت سود با حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی چگونه است؟ آیا ساختار سرمایه و عملکرد مالی بر رابطهٔ بین کیفیت سود با حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی تأثیر دارد؟ میزان و جهت اثر هر یک از متغیرها بر کیفیت سود چگونه است؟ آیا می توان الگویی ارائه کرد که در بورس اوراق بهادار تهران، کیفیت سود را با استفاده از اطلاعات شرکت‌ها تبیین کند؟ درواقع، نوآوری آن در این است که با استفاده از عوامل داخلی شرکت که بر کیفیت سود مؤثر است، الگویی ارائه دهد که میزان و جهت اثر هر یک از عوامل را نشان دهد. در این زمینه به‌طور همزمان، مسیرهای مستقیم و غیرمستقیمی را واکاوی می‌کند که بر حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی بر

www.SID.ir

Archive of SID

کیفیت سود تأثیر می‌گذارند. برای اندازه‌گیری هر یک از عوامل نیز چندین شاخص در نظر گرفته شده است. از آنجا که در اندازه‌گیری کیفیت سود اجماع نظری وجود ندارد، به‌طور همزمان از معیارهای مبتنی بر حسابداری (پایداری و ارزش پیش‌بینی‌کنندگی سود) و معیارهای مبتنی بر بازار (صادقانه‌بودن و به‌موقع‌بودن سود) استفاده شده است.

مبانی نظری

در تعریف مفهوم کیفیت سود به دو ویژگی برای تعیین کیفیت اشاره شده است: یکی سودمندی در تصمیم‌گیری و دیگری ارتباط بین کیفیت سود و سود اقتصادی؛ یعنی کیفیت سود بالا، نشان‌دهندهٔ مفیدبودن اطلاعات سود برای تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان و مطابقت بیشتر آن با سود اقتصادی است (شیپر[1] و وینسنت[2]، ۲۰۰۳). کاهش کیفیت سود به این معناست که سود گزارش‌شده از نتیجهٔ عملکرد واحد اقتصادی متفاوت است. در چنین شرایطی محتوای اطلاعاتی سود کاهش می‌یابد و استفاده‌کنندگان کمتر می‌توانند در الگوهای تصمیم‌گیری خود به این عنصر مهم صورت‌های مالی تکیه کنند (نوروش، مشایخی و برقعی، ۲۰۰۹).

در پژوهش‌هایی که عوامل تعیین‌کنندهٔ کیفیت سود را بررسی می‌کنند، عوامل مؤثر نقش متغیر مستقل و کیفیت سود نقش متغیر وابسته را دارد. اگرچه عوامل مؤثر بر کیفیت سود بسیار متنوع‌اند، عوامل داخلی شرکت از قبیل حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی به‌منزلهٔ متغیرهای مستقل و عملکرد مالی و ساختار سرمایه به‌منزلهٔ متغیرهای میانجی بررسی شده است. دست‌یابی به سودهای باکیفیت، به سازوکارهای اجرایی مناسب نیازمند است که یکی از مهم‌ترین آنها نظام حاکمیت شرکتی است. نظام حاکمیت شرکتی، زندگی بلندمدت شرکت را هدف قرار می‌دهد و سعی دارد از منافع سهامداران در مقابل مدیران پشتیبانی کند و مانع از انتقال ناخواستهٔ ثروت میان گروه‌های مختلف و تضییع حقوق عموم و سهامداران جزء شود (بولو، ۲۰۰۷). یکی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی، مدیران غیرموظف عضو هیئت‌مدیره است که نسبت به سایر اعضا، انگیزهٔ قوی‌تری برای نظارت بر کار مدیران اجرایی و فرایند گزارشگری مالی دارند. نظارت بهتر بر کار مدیران اجرایی به حفظ و ارتقای شهرت کاری اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره کمک می‌کند (پیسنل[3]، پاپ[4] و یانگ[5]، ۲۰۰۵). سهامداران نهادی و تمرکز سهامداران نیز سازوکار دیگر حاکمیت شرکتی است. سهامداران بزرگ اختیار فروش سرمایه‌گذاری‌هایشان را دارند؛ ولی بزرگی اندازهٔ سرمایهٔ آنها به‌حدی است که سهام در اختیارشان بدون تأثیرگذاشتن بر قیمت‌های سهام و کاهش ارزش آنها فروختنی نیست؛ بنابراین، آنها مجبورند راهبرد بلندمدتی را بپذیرند و همین مسئله سبب انگیزهٔ بیشتر آنها برای نظارت فعالانهٔ مدیر می‌شود. به‌علاوه، سهامداران بزرگ نسبت به سهامداران کوچک، توانایی بیشتری برای ارزیابی دقیق‌تر و کاراتر صورت‌های مالی دارند؛ زیرا بیشتر آنها از میان سرمایه‌گذاران نهادی و سازمان‌ها و شرکت‌های بزرگ‌اند که امکانات بهتری را در اختیار دارند (جانگ[6] و ون[7]، ۲۰۰۲). ماتسوموتو (۲۰۰۲) به این نتیجه رسید که شرکت‌هایی که عمدهٔ سهام آنها به سرمایه‌گذاران نهادی متعلق است، با احتمال بیشتری از مدیریت سود برای دست‌یابی به

1. Schipper
2. Vincent

3. Peasnell
4. Pope
5. Young
6. Jung
7. Kwon

www.SID.ir

Archive of SID

شاخص از پیش تعیین‌شده (سود) استفاده می‌کنند. بوشی[1] (۱۹۹۸) معتقد است احتمال انجام مدیریت سود در شرکت‌هایی که مالکیت به‌طور عمده به سرمایه‌گذاران نهادی متعلق است، در مقایسه با شرکت‌های دیگر بیشتر است.

حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی و ساختار سرمایه نیز تأثیر دارد. افزایش ضریب اطمینان فعالیت‌های شرکت و سیاست‌های مدیریت در راستای منافع سهامداران و سایر ذی‌نفعان، از اهداف حاکمیت شرکتی است؛ بنابراین، می‌توان انتظار داشت بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت‌ها رابطهٔ معناداری وجود داشته باشد. نوی[2] (۲۰۰۲) بیان می‌کند که مالکان نهادی یکی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی‌اند که ازطریق نظارت بر عملکرد و کنترل غیرمستقیم شرکت، نقش کلیدی در حداقل‌کردن تضادهای نمایندگی ایفا می‌کنند. چنین تمرکزی می‌تواند به‌دلیل دسترسی به اطلاعات محرمانه، موجب عدم تقارن اطلاعاتی بین آنها و سهامداران کوچک‌تر شود. براون[3] و کایلر[4] (۲۰۰۶) و دیتمیر[5] و مارت‌اسمیت[6] (۲۰۰۷) دریافتند که شرکت‌های دارای سازوکارهای حاکمیت شرکتی قوی‌تر، عملکرد بهتر و ارزش بازار بالاتری دارند. آگهی‌اسکویی و ملکی (۲۰۱۴) به این نتیجه رسیدند که بین تمرکز مالکیت و عملکرد رابطهٔ معناداری وجود ندارد؛ ولی رابطهٔ ضعیفی بین سهامداران نهادی و عملکرد وجود دارد. رضایی و محمدزاده (۲۰۱۸) دریافتند که حاکمیت شرکتی تأثیر معناداری بر عملکرد و ارزش شرکت دارد. بریلسفورد[7]، اولیور[8] و پوا[9] (۲۰۰۲) با استفاده از چهارچوب نظری نمایندگی رابطهٔ بین ساختار سرمایه و ساختار مالکیتی را بررسی کردند. آنها دریافتند که رابطهٔ مثبتی بین سهامداران عمده و اهرم مالی وجود دارد. درواقع، سهامدارن اکثریت تمایلی ندارند تا با آوردن شرکای جدید، کنترل خود را بر شرکت از دست بدهند.

حسابرسان برای حفظ منافع سهامداران در مقابل تحریف‌ها و اشتباه‌های بااهمیت صورت‌های مالی می‌توانند با بهبود کیفیت حسابرسی، اعمال مدیریت سود را کشف و مدیران را به بهبود کیفیت سود وادار کنند (نمازی، بایزیدی و جبارزاده‌کنگرلویی، ۲۰۱۱). کیفیت حسابرسی که تعیین‌کنندهٔ عملکرد حسابرسی است، تابع عوامل متعددی از قبیل اندازهٔ مؤسسهٔ حسابرسی، تخصص و دورهٔ تصدی حسابرس است. مؤسسات حسابرسی بزرگ‌تر، خدمات حسابرسی را با کیفیت بیشتری ارائه می‌کنند؛ زیرا به‌دنبال حفظ و بهبود شهرت خود هستند و هیچ نگرانی بابت ازدست‌دادن مشتریان خود ندارند. همین‌طور به‌دلیل دسترسی بیشتر به منابع و امکانات برای آموزش حسابرسان خود، خدمات باکیفیت‌تری ارائه می‌دهند. دورهٔ تصدی کوتاه نیز ممکن است ریسک بالاتر شکست حسابرسی را به‌دنبال داشته باشد؛ زیرا حسابرسانی که تجربه‌ای کم و دانشی ناکافی از فعالیت صاحبکار دارند، مجبور می‌شوند بیشتر به برآوردهای صاحبکار اتکا کنند. حسابرسان متخصص در صنعت نسبت به حسابرسان غیرمتخصص، با احتمال بیشتری می‌توانند گزارشگری گمراه‌کننده و موارد غیرقانونی را به‌ویژه در سال‌های ابتدایی حسابرسی کشف کنند (گول[10]، فانگ[11] و جاگی[12]، ۲۰۰۹). یافته‌های پژوهش

1. Bushee
2. Noe
3. Brown
4. Caylor
5. Dittmar
6. Mahrt-Smith
7. Brailsford
8. Oliver
9. Pua
10. Gul
11. Fung
12. Jaggi

www.SID.ir

Archive of SID

اشلمن و گو (۲۰۱۴) نشان داد بین صرف حق‌الزحمهٔ حسابرسی و احتمال استفادهٔ مدیران از اقلام تعهدی اختیاری در راستای مدیریت سود رابطهٔ منفی وجود دارد. صالحی، بزرگمهریان و امینی (۲۰۱۶) نیز به این نتیجه رسیدند که اندازه و تخصص حسابرس با پایداری سود ارتباط مثبت معناداری دارد؛ اما تداوم تصدی حسابرس رابطهٔ معناداری با پایداری سود ندارد. بندریان، وحیدی‌الیزئی و مقصودی (۲۰۱۸) دریافتند که کیفیت حسابرسی سبب کاهش مدیریت سود می‌شود. بذرافشان و عارف‌منش (۲۰۱۴) به این نتیجه رسیدند که تغییر حسابرس در سال قبل از ورشکستگی موجب کاهش سود می‌شود؛ ولی اندازهٔ حسابرس تأثیری بر مدیریت سود ندارد.

ازطرف دیگر، کیفیت حسابرسی می‌تواند بر ساختار سرمایه و عملکرد مالی تأثیرگذار باشد. حسابرسی صورت‌های مالی اثرات منفی جدایی مالکیت از مدیریت را به‌وسیلهٔ کاهش عدم‌تقارن اطلاعاتی بین کاربران و تهیه‌کنندگان صورت‌های مالی کاهش می‌دهد؛ بنابراین، حسابرسی با کیفیت مطلوب می‌تواند موجب هماهنگی بیشتر میان مدیران و سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان شود و بر ساختار سرمایه تأثیر بگذارد (ایتونن[1]، ۲۰۱۰). بروی[2] و ویل[3] (۲۰۰۸) دریافتند که رابطهٔ بین انتخاب مؤسسهٔ حسابرسی با کیفیت بالا و اهرم شرکت در کشورهای مختلف به‌طورچشمگیری متفاوت است. نتایج پژوهش علوی‌طبری و هاشمیان (۲۰۱۱) نشان می‌دهد کیفیت حسابرسی بر نسبت بدهی شرکت‌ها تأثیر معناداری ندارد. بادآورنهندی و تقی‌زاده‌خانقاه (۲۰۱۴) به این نتیجه رسیدند که بین کیفیت حسابرسی و کارآیی سرمایه‌گذاری ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. بدین ترتیب، بهبود کیفیت حسابرسی با کاهش عدم‌تقارن اطلاعاتی و برطرف‌کردن مشکلات نمایندگی سبب افزایش کارآیی سرمایه‌گذاری می‌شود. صالحی، موسوی‌شبیری و سدیرنوغانی (۲۰۱۴) دریافتند که حق‌الزحمهٔ حسابرسی با شاخص‌های عملکرد مالی رابطهٔ معناداری ندارد.

تأثیر ساختار سرمایه بر کیفیت سود را می‌توان از دو دیدگاه بررسی کرد: دیدگاه اول بیان می‌کند که با افزایش سطح بدهی کیفیت سود افزایش می‌یابد؛ زیرا اعتباردهندگان برای اعطای اعتبار، صورت‌های مالی حسابرسی‌شده را درخواست می‌کنند و هرچه کیفیت اطلاعات ارائه‌شده بالاتر باشد، اعطای اعتبار راحت‌تر صورت می‌گیرد؛ بنابراین، از این طریق کنترل چشمگیری بر اعتبارگیرندگان اعمال می‌کنند و سبب ارائهٔ اطلاعات دقیق و باکیفیت از سوی آنها می‌شوند. دیدگاه دوم بیانگر آن است که مدیران برای دریافت اعتبار تمایل دارند اطلاعات مالی شرکت را دستکاری کنند و وضعیت مالی مطلوب‌تری را به نمایش بگذارند. درنتیجه با افزایش سطح بدهی، کیفیت اطلاعات کاهش می‌یابد (امیری و محمدی‌خورزوقی، ۲۰۱۳). بیتی[4] و وبر[5] (۲۰۰۳) اثر شروط قراردادهای بدهی بانکی را بر انتخاب رویه‌های حسابداری یک شرکت بررسی کردند. آنها دریافتند هنگامی که قراردادهای بدهی بانکی تغییر روش حسابداری را مجاز می‌داند، احتمال بیشتری وجود دارد که وام‌گیرندگان تغییراتی در جهت افزایش سود ایجاد کنند. هرچند هنگامی که هزینه‌های موردانتظار تخطی از شروط قرارداد بدهی پایین‌تر است، این تغییرات کاهش می‌یابد. براساس نتایج پژوهش بارتو[6] (۱۹۹۳) شرکت‌ها به کمک سود حاصل از فروش دارایی‌ها، نوسان سود را کاهش می‌دهند تا شرایط مندرج در قرارداد بدهی را به دست آورند. باسیونی و

1. Ittonen
2. Broye
3. Weill
4. Beatty
5. Weber
6. Bartov

www.SID.ir

Archive of SID

همکاران (۲۰۱۶) به این نتیجه رسیدند که اهرم مالی شرکت رابطهٔ مثبت معناداری با مدیریت سود دارد.

عملکرد مالی می‌تواند بر کیفیت سود تأثیر بگذارد. چان و همکاران (۲۰۰۶) بیان می‌کنند که ضعف در عملکرد شرکت‌ها سبب کاهش کیفیت سود می‌شود. انصاری، نداپور و شیرزاد (۲۰۱۳) دریافتند که عملکرد شرکت هم با مدیریت واقعی سود و هم با سطح کلی مدیریت سود رابطهٔ معکوس و معناداری دارد؛ یعنی هرچه عملکرد شرکت بهبود یابد مدیریت سود کاهش می‌یابد. این در حالی است که برخی پژوهشگران نظیر دی‌آنجلو[1]، دی‌آنجلو و اسکینر[2] (۱۹۹۴) معتقدند عملکرد ضعیف بلندمدت یک شرکت می‌تواند فرصت‌های مدیریت سود را مخدوش کند.

براساس مبانی نظری و پیشینهٔ پژوهش، الگوی مفهومی روابط بین متغیرهای پژوهش را می‌توان به شرح شکل (۱) ترسیم کرد. روابط بین متغیرهای موجود در شکل (۱)، روابطی ساختاری‌اند که با نظریه و پیشینهٔ پژوهش تأیید و پشتیبانی می‌شوند. هدف پژوهش حاضر الگویابی ساختاری روابط بین متغیرهای مزبور است؛ بنابراین، از الگویابی معادلات ساختاری برای تبیین روابط بین متغیرها استفاده می‌شود. تمام متغیرهای موجود در الگوی مفهومی شکل (۱)، از نوع متغیرهای پنهان[3] هستند که برای اندازه‌گیری هر یک از آنها باید شاخص یا الگوی اندازه‌گیری معرفی کرد. برای اندازه‌گیری هر متغیر پنهان، چندین متغیر آشکار[4] یا الگوی اندازه‌گیری تعریف شده است. هر الگوی معادلات ساختاری، از یک الگوی ساختاری و چندین الگوی اندازه‌گیری تشکیل می‌شود. بخش ساختاری ارتباط بین متغیرهای پنهان را نشان می‌دهد و الگوی اندازه‌گیری، نحوهٔ ارتباط متغیرهای پنهان و متغیرهای آشکار (شاخص‌های) آنان را منعکس می‌کند.

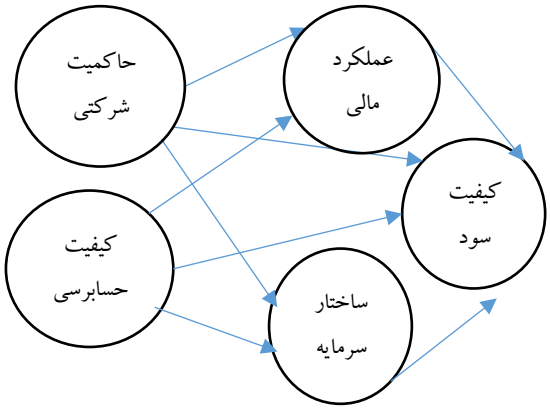

شکل (۱) الگوی مفهومی پژوهش

فرضیه‌های پژوهش عبارت‌اند از:

فرضیهٔ ۱: حاکمیت شرکتی بر کیفیت سود حسابداری تأثیر مستقیم دارد.

فرضیهٔ ۲: کیفیت حسابرسی بر کیفیت سود حسابداری تأثیر مستقیم دارد.

فرضیهٔ ۳: حاکمیت شرکتی ازطریق عملکرد مالی بر کیفیت سود حسابداری تأثیر دارد.

فرضیهٔ ۴: حاکمیت شرکتی ازطریق ساختار سرمایه بر کیفیت سود حسابداری تأثیر دارد.

فرضیهٔ ۵: کیفیت حسابرسی ازطریق عملکرد مالی بر کیفیت سود حسابداری تأثیر دارد.

فرضیهٔ ۶: کیفیت حسابرسی ازطریق ساختار سرمایه بر کیفیت سود حسابداری تأثیر دارد.

1. DeAngelo
2. Skinner
3. Latent variables
4. Observed variable

www.SID.ir

Archive of SID

روش پژوهش

شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در دورهٔ زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴، به‌منزلهٔ جامعهٔ آماری بررسی شده است. سال مالی این شرکت‌ها، سال منتهی به پایان اسفندماه هر سال است (برای خنثی کردن تأثیر چرخه‌های تجاری مؤثر بر عملکرد و وضعیت مالی شرکت‌ها) که باید قبل از سال مالی ۱۳۸۵ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند و جزء شرکت‌های بیمه‌ای، مالی و سرمایه‌گذاری و هلدینگ‌ها نباشند. براساس این معیارها ۷۰۰ سال – شرکت شناسایی شد.

پس از واردکردن داده‌های خام در نرم‌افزارهای Excel و SPSS، متغیرهای پژوهش، استخراج و با استفاده از نرم‌افزار Smart-PLS[1] تجزیه‌وتحلیل نهایی انجام شد. برای الگویابی معادلات ساختاری در PLS، برازش الگوهای اندازه‌گیری (پایایی، روایی همگرا و روایی واگرا)، برازش الگوی ساختاری (معیار Z، معیار R^2 و معیار Q^2) و برازش الگوی کلی (معیار GOF[2]) بررسی شد؛ سپس فرضیه‌های پژوهش (بارهای عاملی، ضرایب معناداری Z و ضرایب استانداردشدهٔ مسیر) آزموده شد. در پایان، برای آزمودن تأثیر یک متغیر میانجی از آزمون سوبل[3] استفاده شد.

جدول (۱) متغیرهای پژوهش

متغیر پنهان	متغیر آشکار	نحوهٔ اندازه‌گیری
حاکمیت شرکتی (Govern)	استقلال هیئت‌مدیره (Ind)	تعداد مدیران غیرموظف تقسیم بر کل اعضای هیئت‌مدیره
	دوگانگی وظیفهٔ مدیرعامل (Dual)	اگر مدیرعامل رییس یا نایب‌رییس هیئت‌مدیره باشد، عدد صفر و در غیر این‌صورت عدد یک
	تمرکز مالکیت (Conc) (پارسا[4]، چونگ[5] و ایسیمویا[6]، ۲۰۰۷)	درصد سهام اولین سهامدار عمدهٔ شرکت
	سهامداران نهادی (Inst) (پارسا و همکاران، ۲۰۰۷)	درصد تجمعی سهام شرکت که توسط نهادهای سرمایه‌گذاری عمده نگهداری می‌شود.
کیفیت حسابرسی (Audit)	تخصص مؤسسهٔ حسابرسی (Spec) (میهو[7] و ویلکینز[8]، ۲۰۰۳)	اگر حسابرس متخصص صنعت باشد برابر با یک و در غیر این صورت برابر با صفر
	دورهٔ تصدی (Tenu) (داس[9] و پاندیت[10]، ۲۰۱۰)	لگاریتم تعداد سنوات حسابرسی توسط یک مؤسسه
	اندازهٔ مؤسسهٔ حسابرسی (Size)	سازمان حسابرس یک و سایر مؤسسات صفر
عملکرد مالی (Perform)	ارزش افزودهٔ اقتصادی (EVA) (دامودارن[11]، ۲۰۰۲)	$EVA= NOPAT – K_W (Capital_{t-1})$
	بازده دارایی‌ها (ROA)	سود قبل از مالیات تقسیم بر دارایی‌ها
	کیو توبین (Tobin) (وانگ[12]، جو[13]، چانگ[14] و وو[15]، ۲۰۱۴)	(ارزش دفتری بدهی‌ها + ارزش بازار حقوق صاحبان سهام) تقسیم بر ارزش دفتری دارایی‌ها
ساختار سرمایه	بدهی به دارایی‌ها (Lev)	بدهی‌ها تقسیم بر دارایی‌ها

1. Partial least squires
2. Goodness of fit
3. Sobel test
4. ParsaZ
5. Chong
6. Isimoya
7. Mayhew
8. Wilkins
9. Das
10. Pandit
11. Damodaran
12. Wang
13. Jou
14. Chang
15. Wu

www.SID.ir

Archive of SID

(Struct)	(وانگ و همکاران، ۲۰۱۴)	
	بدهی به حقوق صاحبان سهام (Debt) (آنوار[1] و چین[2]، ۲۰۱۶)	بدهی‌ها تقسیم بر حقوق صاحبان سهام
کیفیت سود (EQ)	پایداری سود (Pers) (فرانسیس[3]، لافوند[4]، اولسون[5] و شیپر ۲۰۰۴)	$WCA_{it} = C + \lambda_1 CFO_{it-1} + \lambda_2 CFO_{it} + \lambda_3 CFO_{it+1} + \lambda_4 \Delta Rev_{it} + \lambda_5 PPE_{it} + \varepsilon_{it}$
	ارزش پیش‌بینی‌کنندگی سود (Predic) (دیچو[6]، ۱۹۹۴)	$CFO_{it+1} = \alpha_0 + \alpha_1 OPIN_{it} + \varepsilon_{it}$
	صادقانه‌بودن سود (Relev) (فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۴)	$RET_{it} = \beta_0 + \beta_1 E_{it} + \beta_2 \Delta E_{it} + \varepsilon_{it}$
	به‌موقع‌بودن سود (Time) (فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۴)	$E_{it} = \beta_{0,i} + \beta_{1,i} NEG_{it} + \beta_{2,i} RET_{it} + \beta_{3,i} NEG_{it} * RET_{it} + \varepsilon_{it}$

یافته‌ها

مراحل الگویابی معادلات ساختاری شامل بررسی برازش الگو و آزمودن فرضیه‌هاست. برازش الگوی اندازه‌گیری ازطریق پایایی، روایی همگرا و روایی واگرا بررسی می‌شود. سنجش بارهای عاملی و پایایی ترکیبی نیز می‌تواند پایایی را بسنجد. ضریب بار عاملی بیشتر از ۰/۴ مناسب است (هولاند[7]، ۱۹۹۹). با توجه به شکل (۲)، برخی متغیرهای آشکار که مقداری کمتر از ۰/۴ دارند، باید از الگو حذف شوند. اگر ضریب پایایی ترکیبی نیز بالاتر از ۰/۷ باشد، الگو پایایی مناسب دارد. با توجه به جدول (۲)، ضرایب پایایی ترکیبی برای همهٔ متغیرهای پنهان بالاتر از ۰/۷ است که پایایی مناسب الگو را نشان می‌دهد.

جدول (۲) ضرایب پایایی ترکیبی و میانگین واریانس استخراجی متغیرهای پنهان

متغیر پنهان	ضریب پایایی ترکیبی (Alpha >0.7)	میانگین واریانس استخراجی (AVE >0.5)
کیفیت حسابرسی (Audit)	۰/۸۳	۰/۷۱
کیفیت سود (EQ)	۰/۷۹	۰/۵۶
حاکمیت شرکتی (Govern)	۰/۹۳	۰/۸۶
عملکرد مالی (perform)	۰/۷۲	۰/۵۷
ساختار سرمایه (Struct)	۰/۷۷	۰/۶۳

میزان همبستگی متغیر پنهان با متغیرهای آشکار خود، ازطریق روایی همگرا بررسی می‌شود. معیار AVE نشان‌دهندهٔ روایی همگراست. چنانچه مقدار AVE بیشتر از ۰/۵ باشد، روایی همگرا در سطح مناسبی است. این مقدار برای همهٔ متغیرهای پنهان به‌استثنای متغیر پنهان کیفیت سود بالاتر از ۰/۵ است. در اینگونه موارد باید متغیری که کمترین بار عاملی را دارد حذف و دوباره مقدار AVE محاسبه و کنترل شود (داوری و رضازاده، ۲۰۱۴). همان گونه که در شکل (۲) مشخص است، متغیر ارزش

1. Anuar
2. Chin
3. Francis
4. Lafond
5. Olsson
6. Dechow
7. Hulland

www.SID.ir

Archive of SID

پیش‌بینی کنندگی سود کمترین بار عاملی را دارد؛ بنابراین، از الگو حذف و دوباره AVE محاسبه می‌شود که در جدول (۲) ارائه شده است. شکل (۳)، الگوی مفهومی پژوهش را پس از حذف متغیرهای آشکار (استقلال هیئت‌مدیره، دوگانگی وظیفهٔ مدیرعامل، اندازهٔ مؤسسهٔ حسابرسی، نرخ بازده دارایی‌ها و ارزش پیش‌بینی کنندگی سود) نشان می‌دهد.

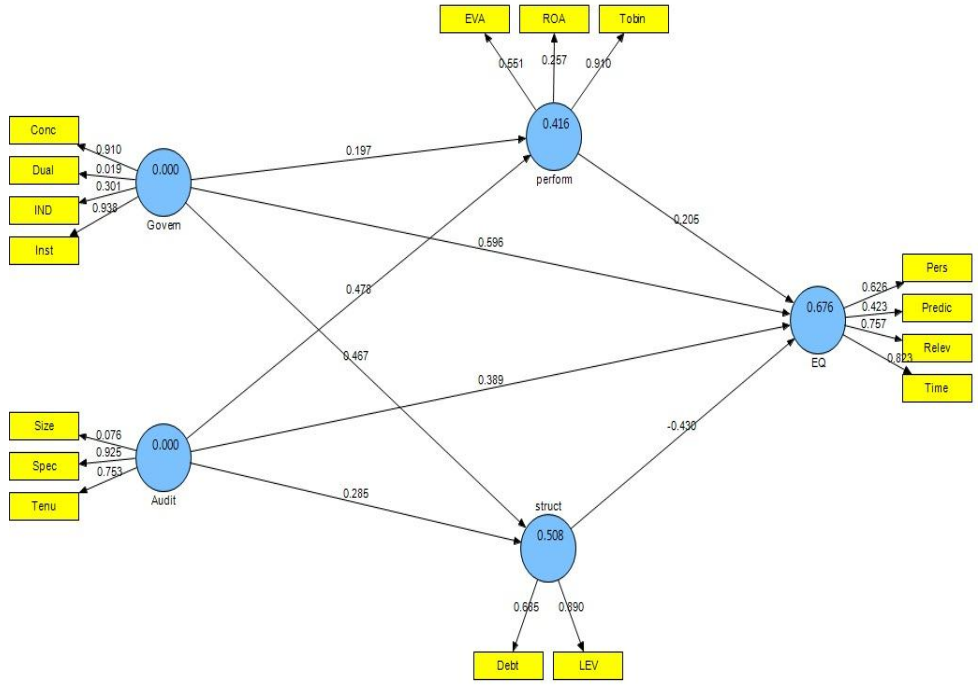

شکل (۲) بار عاملی متغیرهای آشکار پژوهش قبل از اصلاح الگو

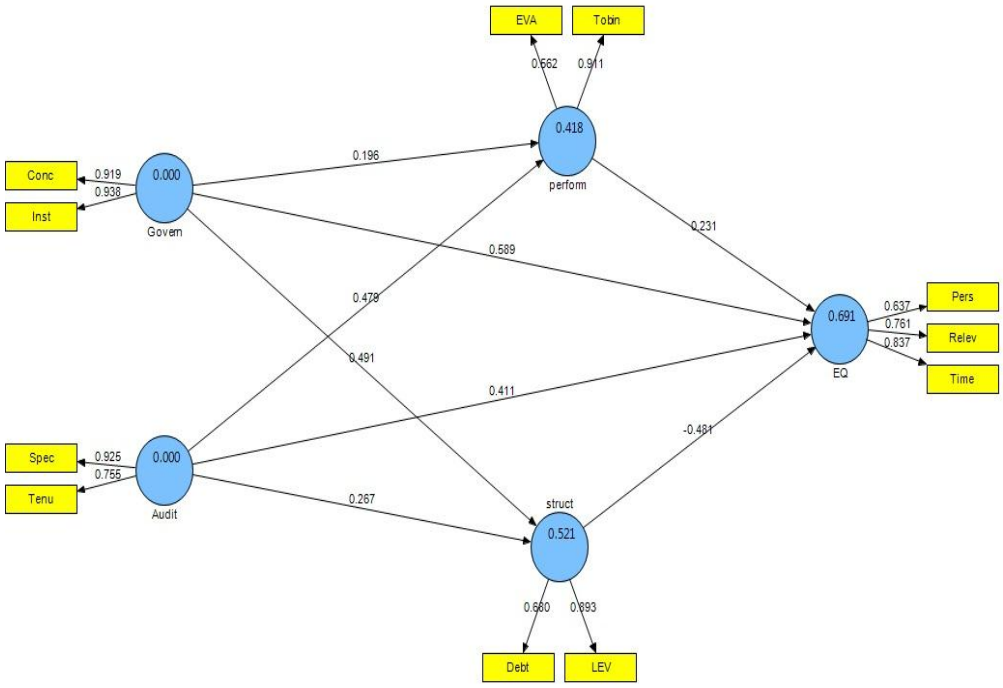

شکل (۳) بار عاملی متغیرهای آشکار پژوهش پس از اصلاح الگو

www.SID.ir

Archive of SID

روایی واگرا، دو مطلب را بررسی می‌کند: مورد اول، مقایسهٔ میزان همبستگی بین متغیرهای آشکار با متغیر پنهان مربوط به آن در مقابل همبستگی آنها با سایر متغیرهای پنهان؛ مورد دوم، مقایسهٔ میزان همبستگی یک متغیر پنهان با متغیرهای آشکارش در مقابل همبستگی آن با سایر متغیرهای پنهان (فورنل[1] و لارکر[2]، ۱۹۸۱).

جدول (۳) بار عاملی متغیرهای آشکار پژوهش برای بررسی روایی واگرا

متغیرهای آشکار	حاکمیت شرکتی	کیفیت حسابرسی	عملکرد مالی	ساختار سرمایه	کیفیت سود
تمرکز مالکیت	۰/۹۲	۰/۷۱	۰/۵۲	۰/۶۲	۰/۵۹
سهامداران نهادی	۰/۹۴	۰/۷۷	۰/۲۰	۰/۲۳	۰/۷۳
تخصص مؤسسهٔ حسابرسی	۰/۸۰	۰/۹۲	۰/۴۳	۰/۲۷	۰/۶۵
دورهٔ تصدی	۰/۴۹	۰/۷۵	۰/۳۰	۰/۳۳	۰/۵۵
ارزش‌افزودهٔ اقتصادی	۰/۱۷	۰/۱۷	۰/۵۴	۰/۰۵	۰/۴۱
کیو توبین	۰/۶	۰/۶۷	۰/۹۲	۰/۵۹	۰/۴۹
بدهی به دارایی‌ها	۰/۷	۰/۶۳	۰/۳۹	۰/۸۹	۰/۲۶
بدهی به حقوق صاحبان سهام	۰/۳۵	۰/۳۷	۰/۴۸	۰/۶۷	۰/۲۸
پایداری سود	۰/۳۹	۰/۳۵	۰/۴۳	۰/۲۵	۰/۶۳
صادقانه‌بودن سود	۰/۶۴	۰/۶۹	۰/۳۸	۰/۴۷	۰/۷۷
به‌موقع‌بودن سود	۰/۵۴	۰/۵۲	۰/۵۱	۰/۵۸	۰/۸۳

همان‌گونه که در جدول (۳) مشخص است، همهٔ متغیرهای آشکار مربوط به هر یک از متغیرهای پنهان همبستگی بیشتری نسبت سایر سازه‌ها دارند. برای مثال، تمرکز مالکیت و سرمایه‌گذاران نهادی که متغیرهای آشکار مربوط به متغیر پنهان حاکمیت شرکتی‌اند، در سطر مربوط به آن بیشترین مقدار را به خود اختصاص داده‌اند (مورد اول). برای بررسی مورد دوم نیز از ماتریس ارائه شده توسط فورنل و لارکر (۱۹۸۱) استفاده می شود. با توجه به جدول (۴)، از آنجا که قطر اصلی، بیشترین مقدار (جذر AVE) را در هر ستون به خود اختصاص داده است، می‌توان گفت متغیرهای پنهان تعامل بیشتری با متغیرهای آشکار خود دارند تا با متغیرهای پنهان دیگر (هنسلر[3]، رینگل[4] و سینکوویس[5]، ۲۰۰۹). با توجه به نتایج مورد اول و دوم روایی الگو در حد مناسبی است.

جدول (٤) ماتریس فورنل و لارکر برای بررسی روایی واگرا

متغیرهای پنهان	حاکمیت شرکتی	کیفیت حسابرسی	عملکرد مالی	ساختار سرمایه	کیفیت سود
کیفیت حسابرسی	۰/۸۴				
کیفیت سود	۰/۷۱	۰/۷۵			
حاکمیت شرکتی	۰/۸۰	۰/۷۱	۰/۹۳		
عملکرد مالی	۰/۶۳	۰/۵۷	۰/۵۸	۰/۷۵	
ساختار سرمایه	۰/۶۵	۰/۳۳	۰/۷۰	۰/۵۲	۰/۷۹

1. Fornell
2. Larcker
3. Henseler
4. Ringle
5. Sinkovics

www.SID.ir

Archive of SID

پس از برازش الگوی اندازه‌گیری، باید برازش الگوی ساختاری بررسی شود. در این زمینه از سه معیار استفاده می‌شود. مهم ترین معیار، ضرایب معناداری z یا همان مقادیر t-values است. اگر مقادیر بیشتر از ۱/۹۶ باشند، در سطح اطمینان ۹۵٪ و چنانچه بیشتر از ۲/۶۶ باشند در سطح اطمینان ۱٪ معنادارند (داوری و رضازاده، ۲۰۱۴). شکل (۴) نشان می‌دهد ضرایب معناداری همهٔ مسیرها بیشتر از ۱/۹۶ است؛ بنابراین، همهٔ مسیرها معنادار است.

معیار دوم، ضرایب R^2 مربوط به متغیرهای درون‌زای (وابسته) الگوست که نشان‌دهندهٔ تأثیر یک متغیر برون‌زا بر یک متغیر درون‌زاست. مقادیر ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ به‌منزلهٔ مقدار ضعیف، متوسط و قوی R^2، ملاک قرار می‌گیرد (محسنین و اسفیدانی، ۲۰۱۴). مطابق با شکل (۳)، مقدار R^2 برای متغیرهای عملکرد مالی، ساختار سرمایه و کیفیت سود است. درواقع، این ضریب برای متغیرهای برون‌زا محاسبه نمی‌شود. مقدار R^2 برای سازهٔ عملکرد مالی ۰/۴۲، ساختار سرمایه ۰/۵۲ و کیفیت سود ۰/۶۹ محاسبه شده است که با توجه به مقدار ملاک، مناسب‌بودن برازش الگوی ساختاری را تأیید می‌کند.

معیار دیگری که قدرت پیش‌بینی الگو را می‌سنجد، Q^2 است. مقادیر ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ به ترتیب نشان‌دهندهٔ قدرت پیش‌بینی ضعیف، متوسط و قوی متغیر درون‌زاست (داوری و رضازاده، ۲۰۱۴). مقدار Q^2 برای سازهٔ کیفیت سود، عملکرد مالی و ساختار سرمایه به ترتیب برابر با ۰/۳۱، ۰/۲۲ و ۰/۳۱است؛ بنابراین، سازهٔ کیفیت سود و ساختار سرمایه که به ۰/۳۵ نزدیک است، قدرت پیش‌بینی قوی الگو و سازهٔ عملکرد مالی، قدرت پیش‌بینی متوسط الگو را نشان می‌دهد. در مجموع برازش مناسب الگوی ساختاری تأیید می‌شود.

پس از اینکه برازش الگوی اندازه گیری و الگوی ساختاری تأیید شد، برازش کلی الگو با استفاده از معیار GOF بررسی می‌شود:

$$GOF = \sqrt{\overline{Communalities} \times \overline{R^2}}$$
$$= \sqrt{0.67 \times 0.54} = 0.6$$

مقدار واریانس مشترک[1] از میانگین واریانس مشترک متغیرهای پنهان به دست می‌آید. با توجه به جدول (۲)، مقادیر اشتراکی حاکمیت شرکتی، کیفیت حسابرسی، عملکرد مالی، ساختار سرمایه و کیفیت سود به ترتیب برابر با ۰/۸۶، ۰/۷۱، ۰/۵۷، ۰/۶۳ و ۰/۵۶ است. از طرف دیگر، مقدار R^2 متغیرهای عملکرد مالی، ساختار سرمایه و کیفیت سود به ترتیب عبارت‌اند از: ۰/۴۲، ۰/۵۲ و ۰/۶۹. بدین ترتیب مقدار ۰/۶ برای GOF پژوهش به دست می‌آید. از آنجا که ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ به منزلهٔ مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF (محسنین و اسفیدانی، ۲۰۱۴) ملاک عمل قرار می گیرد، مقدار ۰/۶ نشان دهندهٔ برازش کلی قوی الگوی پژوهش است.

پس از تأیید برازش الگوی اندازه گیری، ساختاری و کلی پژوهش، فرضیه‌های پژوهش آزمون می‌شوند. با توجه به شکل (۴)، ضرایب معناداری مسیرهای الگو بیشتر از ۱/۹۶ است. این مطلب نشان‌دهندهٔ معناداربودن تأثیر مستقیم و غیرمستقیم (ازطریق متغیر میانجی عملکرد مالی و ساختار سرمایه) حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی بر کیفیت سود است. به عبارتی، هیچ‌کدام از فرضیه‌های پژوهش را نمی‌توان رد کرد.

1. Communalities

www.SID.ir

Archive of SID

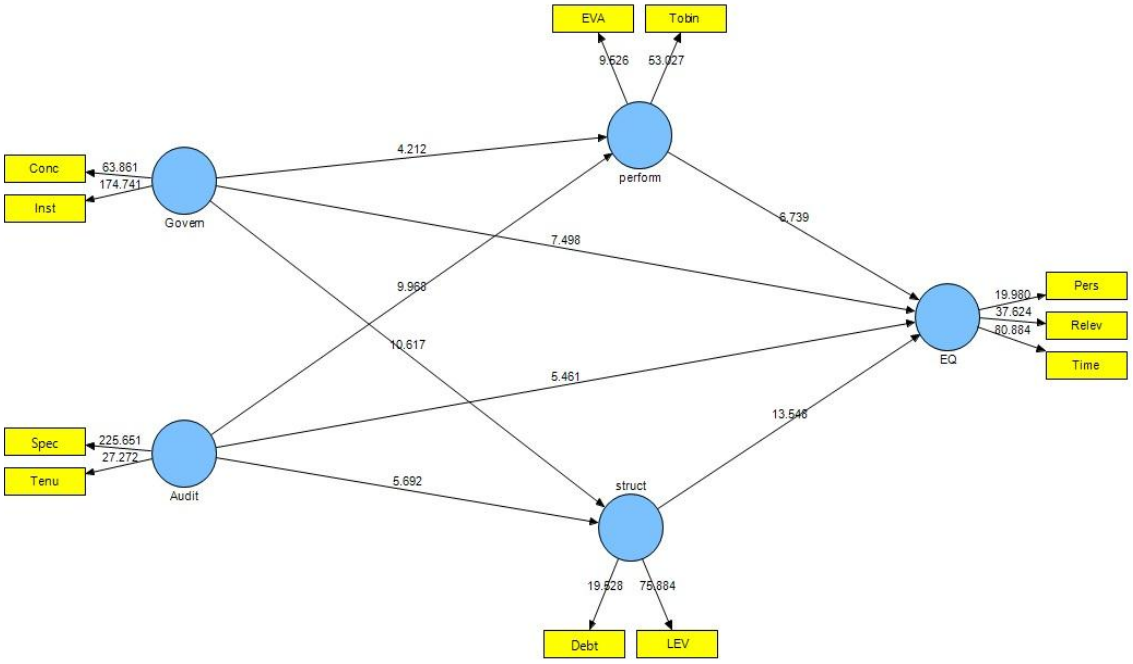

شکل (٤) ضرایب معناداری Z

برای آزمودن تأثیر یک متغیر میانجی از آزمون سوبل استفاده می‌شود. چنانچه مقدار Z-Value به‌دست‌آمده از آزمون سوبل بیشتر از ۱/۹۶ باشد، می‌توان معناداربودن تأثیر متغیر میانجی را در سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید کرد. با توجه به مقادیر نشان داده‌شده در جدول (۵)، همهٔ مقادیر z از ۱/۹۶ بیشتر است؛ بنابراین، در سطح اطمینان ۹۵٪ تأثیر متغیرهای میانجی تأیید می‌شود.

جدول (۵) مقادیر Z آزمون سوبل

مسیر	مقدار z آزمون سوبل
حاکمیت شرکتی – عملکرد مالی – کیفیت سود	۳/۵۸
حاکمیت شرکتی – ساختار سرمایه – کیفیت سود	۸/۴۲
کیفیت حسابرسی – عملکرد مالی – کیفیت سود	۵/۵۹
کیفیت حسابرسی – ساختار سرمایه – کیفیت سود	۵/۳۳

نتایج به‌دست‌آمده از آزمون فرضیه‌ها، به تفکیک مسیرهای موجود در الگوی مفهومی پژوهش ارائه می‌شود:

مقدار ضریب مسیر در فرضیهٔ ۱ معادل ۵۹٪ و ضریب معناداری معادل ۷/۴۹ است؛ بنابراین، حاکمیت شرکتی با کیفیت سود هم جهت است و به میزان ۵۹٪ به طور مستقیم (بدون متغیر میانجی) بر متغیر کیفیت سود تأثیر می گذارد. به عبارت دیگر، تقویت سازوکارهای حاکمیت شرکتی می‌تواند موجب بهبود کیفیت سود شود. حاکمیت شرکتی به‌طور غیرمستقیم و ازطریق متغیر میانجی عملکرد مالی، به میزان ۵٪ (۰/۲۳۱×۰/۱۹۶) بر متغیر کیفیت سود اثر می گذارد. به عبارتی، سازوکارهای حاکمیت شرکتی سبب افزایش و بهبود عملکرد مالی می شود و افزایش عملکرد مالی،

www.SID.ir

Archive of SID

افزایش کیفیت سود را به دنبال خواهد داشت. حاکمیت شرکتی به‌طور غیرمستقیم و ازطریق متغیر میانجی ساختار سرمایه، به میزان ۲۴٪ (۰/۴۸۱×۰/۴۹۱) بر متغیر کیفیت سود تأثیر دارد. به عبارتی، سازوکارهای حاکمیت شرکتی سبب افزایش تأمین مالی ازطریق بدهی می‌شود که این امر، کاهش کیفیت سود را به‌همراه خواهد داشت (به‌دلیل وجود علامت منفی در مسیر ساختار سرمایه و کیفیت سود در شکل ۳).

طبق معیارهای مذکور، تأثیر مستقیم حاکمیت شرکتی بر کیفیت سود، از تأثیر غیرمستقیم آن و از مسیر متغیرهای میانجی قوی‌تر است. با توجه به مقادیر z آزمون سوبل، متغیرهای میانجی بر رابطهٔ بین حاکمیت شرکتی و کیفیت سود تأثیر معنادار دارند.

مقدار ضریب مسیر در فرضیهٔ ۲، معادل ۴۱٪ و ضریب معناداری معادل ۵/۴۶ است؛ بنابراین، کیفیت حسابرسی با کیفیت سود هم جهت است و به میزان ۴۱٪ به طور مستقیم (بدون متغیر میانجی) بر متغیر کیفیت سود تأثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر، با بهبود کیفیت حسابرسی، کیفیت سود نیز ارتقا می‌یابد. کیفیت حسابرسی به طور غیرمستقیم و ازطریق متغیر میانجی عملکرد مالی، به میزان ۱۱٪ (۰/۲۳۱×۰/۴۷۹) بر متغیر کیفیت سود اثر می گذارد. به عبارتی، افزایش کیفیت حسابرسی موجب بهبود عملکرد مالی می شود که بهبود عملکرد مالی نیز موجب افزایش کیفیت سود خواهد شد. کیفیت حسابرسی به‌طور غیرمستقیم و ازطریق متغیر میانجی ساختار سرمایه، به میزان ۱۳٪ (۰/۴۸۱×۰/۲۶۷) بر متغیر کیفیت سود تأثیر دارد. به عبارتی، افزایش کیفیت حسابرسی سبب افزایش میزان بدهی و به‌دنبال آن کاهش کیفیت سود می‌شود. طبق معیارهای مذکور، تأثیر مستقیم کیفیت حسابرسی بر کیفیت سود، از تأثیر غیرمستقیم آن و از مسیر متغیرهای میانجی قوی‌تر است. با توجه به آزمون سوبل، متغیرهای میانجی بر رابطهٔ بین کیفیت حسابرسی و کیفیت سود تأثیر معنادار دارند. در مجموع، حاکمیت شرکتی به میزان ۴۰٪ (۰/۲۴- ۰/۵ + ۰/۵۹) و کیفیت حسابرسی به میزان ۳۹٪ (۰/۱۳- ۰/۱۱ +۰/۴۱) بر کیفیت سود تأثیر مثبت دارند و می‌توانند ۶۹٪ (مقدار R^2 از شکل ۳) از کل واریانس (تغییرات) متغیر کیفیت سود را پیش‌بینی و تبیین کنند.

نتایج و پیشنهادها

هدف این پژوهش الگویابی ساختاری عوامل مؤثر بر کیفیت سود است. بدین منظور، حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی، متغیرهای مستقل، عملکرد مالی و ساختار سرمایه، متغیرهای میانجی و کیفیت سود متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از آزمون فرضیه‌ها، حاکمیت شرکتی قوی موجب بهبود کیفیت سود حسابداری می شود؛ یعنی وجود حاکمیت شرکتی قوی و مستحکم، رفتار فرصت‌طلبانه و سودجویانهٔ مدیران را محدودتر می کند؛ بنابراین، کیفیت و توان اتکا به سود بهبود می یابد. نتیجهٔ پژوهش با فرضیهٔ نظارت همخوانی دارد؛ زیرا ساختارهای راهبردی قوی‌تر سبب نظارت بیشتر می شود و درنتیجه کیفیت سود بهبود می‌یابد. مدیران شرکت هایی که مالکان متعدد دارند و سهامداران عمده ندارند، انگیزهٔ بیشتری برای مدیریت سود دارند؛ زیرا هزینهٔ پردازش اطلاعات برای سهامداران جزء، توجیه اقتصادی ندارد. درنتیجه، آنان مجبورند به اطلاعات سود و زیان گزارش‌شده توسط مدیریت شرکت‌ها اتکا کنند (بلک[1]، ۱۹۹۲). ازطرف دیگر، مالکان نهادی سرمایه‌گذاران حرفه‌ای با اهداف بلندمدت‌اند. با توجه به حجم سرمایه‌گذاری و حرفه‌ای‌بودن مالکان نهادی، حضور آنان موجب نظارت بر مدیریت می‌شود. این موضوع می تواند به جای تمرکز بر اهداف کوتاه‌مدت

1. Black

www.SID.ir

Archive of SID

سودآوری، موجب توجه به حداکثرسازی ارزش بلندمدت شرکت شود (بارتو، رادکریشنان[1] و کرینسکی[2]، ۲۰۰۰)؛ بنابراین، حاکمیت شرکتی قوی می تواند بهبود کیفیت سود حسابداری را به دنبال داشته باشد. نتایج نشان می دهد حاکمیت شرکتی قوی موجب بهبود عملکرد مالی می شود و بهبود عملکرد مالی بهبود کیفیت سود را به‌همراه دارد. می توان چنین نتیجه گیری کرد که شرکت‌های دارای سازوکارهای حاکمیت شرکتی قوی تر، عملکرد بهتر و ارزش بالاتری دارند و این امر از پایین‌بودن هزینه‌های نمایندگی نشئت می گیرد. ازطرف دیگر، شرکت های دارای عملکرد ضعیف، از رویه های حسابداری برای بهبود سود شرکت استفاده می کنند؛ بنابراین، کیفیت سود پایینی دارند (دویل و همکاران، ۲۰۰۷). آزمون فرضیهٔ چهارم نشان می‌دهد حاکمیت شرکتی ازطریق ساختار سرمایه می تواند موجب کاهش کیفیت سود شود. می توان چنین استنباط کرد که سهامداران اکثریت نمی‌خواهند با آوردن شرکای جدید کنترل خود را بر شرکت از دست بدهند؛ بنابراین، به تأمین مالی ازطریق استقراض روی می‌آورند؛ یعنی حاکمیت شرکتی تأثیر مثبت بر ساختار سرمایه دارد. ازطرف دیگر، فرضیهٔ بدهی پیش‌بینی می کند که اگر یک واحد تجاری برای دریافت وام با اعتباردهندگان قرارداد مبتنی بر ارقام حسابداری تنظیم کند، اعتباردهنده، محدودیت‌ها و شرط‌هایی نظیر داشتن حد معینی از نسبت بدهی را برای آن واحد تعیین می کند. این موضوع سبب می‌شود مدیران از روش‌ها و فن های حسابداری استفاده کنند که سودها و دارایی‌ها را افزایش دهند تا نسبت بدهی کاهش یابد (واتس[3] و زیمرمن[4]، ۱۹۷۸)؛ بنابراین، مدیران فرصت طلب برای دستکاری سود در جهت کاهش احتمال نقض شروط قرارداد بدهی، انگیزه پیدا می کنند که این امر موجب تخریب کیفیت سود می‌شود. همین طور دریافت وام می‌تواند انگیزه‌ای برای دستکاری سود باشد؛ زیرا اعتباردهندگان هنگام اعطای وام، به اطلاعات صورت‌های مالی برای ارزیابی توان بازپرداخت وام اتکا می کنند. نتایج همسو با پژوهش های برگستاهلر و دیچو (۱۹۹۷)، بریلسفورد و همکاران (۲۰۰۲)، گامپرز و همکاران (۲۰۰۳)، رهنمای رودپشتی و اصلانی (۲۰۰۸)، رضایی و محمدزاده (۲۰۱۸) و مخالف با پژوهش های ماتسوموتو (۲۰۰۲) و بوشی (۱۹۹۸) است.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد کیفیت حسابرسی می تواند به‌طور مستقیم و ازطریق متغیر میانجی عملکرد مالی، اثر مثبت بر کیفیت سود داشته باشد. بدین معنا که داشتن تخصص و دورهٔ تصدی طولانی‌تر می‌تواند کیفیت حسابرسی را بالا ببرد؛ حسابرسان متخصص زیرا از دانش و شناخت بیشتری نسبت به سایر حسابرسان برخوردارند و سعی می کنند از مدیریت فرصت‌طلبانهٔ سود ممانعت و شهرت خویش را حفظ کنند. در واقع، آنها در صنعت با احتمال بیشتری نسبت به حسابرسان غیرمتخصص، برای کشف گزارشگری گمراه‌کننده و موارد غیرقانونی موفق می شوند. به‌علاوه، حسابرسی با بهبود محیط اطلاعاتی و کاهش انتخاب نادرست و خطر اخلاقی در تصمیم‌گیری‌های مدیریت، به اثربخشی تصمیم‌های سرمایه‌گذاری مدیریت و درنهایت کارآیی سرمایه‌گذاری‌های شرکت کمک می‌کند. یافته‌ها نشان‌دهندهٔ این است که کیفیت حسابرسی ازطریق متغیر میانجی ساختار سرمایه اثر منفی بر کیفیت سود دارد؛ یعنی از یک طرف، شرکت‌هایی که از حسابرسی باکیفیت‌تر استفاده می کنند، دسترسی بیشتری به تأمین مالی ازطریق بدهی دارند؛ زیرا

1. Radhakrishnan
2. Krinsky
3. Watts
4. Zimmerman

www.SID.ir

Archive of SID

حسابرسی باکیفیت، سبب کاهش عدم‌تقارن اطلاعاتی می‌شود و اعتباردهندگان با اطمینان بیشتری وام در اختیار اعتبارگیرندگان قرار می‌دهند. ازطرف دیگر، افزایش بدهی با توجه به فرضیهٔ بدهی موجب کاهش کیفیت سود خواهد شد. نتایج همسو با پژوهش‌های اشلمن و گو (۲۰۱۴)، بای و چوی (۲۰۱۲)، لین و وانگ (۲۰۱۰)، بادآورنهندی و تقی زاده‌خانقاه (۲۰۱۴)، باتیا و همکاران (۲۰۱۵)، الزوبی (۲۰۱۸) و مخالف با پژوهش‌های علوی‌طبری و هاشمیان (۲۰۱۱) و صالحی و همکاران (۲۰۱۴) است.

براساس نتایج به سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و تحلیلگران مالی توصیه می‌شود با استفاده از عوامل مؤثر شناسایی‌شده در پژوهش و میزان و جهت (مثبت یا منفی) اثر مستقیم و غیرمستقیم هر کدام از آنها، کیفیت سود و کیفیت گزارشگری مالی را ارزیابی کنند. به عبارت دیگر، کاربران گزارش‌های مالی باید به اثرات مستقیم و غیرمستقم مثبت و اثرات غیرمستقیم منفی سازوکارهای حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی به‌طور همزمان توجه کنند. سازمان بورس اوراق بهادار نیز می‌تواند برای تعیین کیفیت سود شرکت‌ها، از عوامل مؤثر شناسایی‌شده استفاده کند؛ درواقع، برای تدوین قوانین و مقررات (برای مثال قوانینی برای تقویت ساختار حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی شرکت‌ها) و نظارت (بر شرکت‌هایی که کیفیت سود پایین‌تری دارند)، از نتایج استفاده کند.

مهم‌ترین محدودیت‌هایی که در جمع‌آوری داده‌ها و اجرای پژوهش وجود دارد و در تفسیر و تعمیم نتایج باید به آنها توجه شود، عبارت‌اند از: ۱- به‌دلیل برخی معیارهای گزینشی (مانند سال مالی منتهی به پایان اسفندماه) در انتخاب شرکت‌ها و ناقص‌بودن داده‌های برخی شرکت‌ها، تعداد شرکت‌های مطالعه‌شده کاهش یافت. ۲- شرایط تورمی کشور و عدم تعدیل اقلام صورت‌های مالی بر محاسبهٔ متغیرهای پژوهش مؤثر است که نادیده گرفته شده است. ۳- کنترل‌نشدن برخی عوامل مؤثر بر نتایج پژوهش ازجمله تأثیر عوامل اقتصادی و سیاسی که خارج از دسترس پژوهشگر است. ۴- در اندازه گیری کیفیت سود اجماع نظری وجود ندارد؛ بنابراین، روش‌های متفاوتی به کار می‌رود که ممکن است نتایج متفاوتی حاصل شود.

منابع فارسی

[۱] آگهی‌اسکویی، الف.، و ملکی، م. (۱۳۹۳). بررسی رابطهٔ حاکمیت شرکتی و ارزش افزودهٔ اقتصادی در شرکت‌های تولیدی پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *مدیریت دارایی و تأمین مالی*، ۲ (۴)، ۷۵-۹۶.

[۲] امیری، هـ، و محمدی‌خورزوقی، هـ (۱۳۹۱). تحلیل ارتباط بین تأمین مالی ازطریق بدهی و کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *فصلنامهٔ حسابداری مالی*، ۴ (۱۶)، ۸۱-۶۱.

[۳] انصاری، ع.، و نداپور، غ.، و شیرزاد، ع. (۱۳۹۲). بررسی عملکرد شرکت بر مدیریت واقعی سود و سطح کلی مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. دومین همایش بررسی راهکارهای ارتقای مباحث مدیریت، حسابداری، مهندسی صنایع در سازمان‌ها.

[۴] بادآور نهندی، ی.، و تقی‌زاده‌خانقاه، و. (۱۳۹۲). بررسی ارتباط بین کیفیت حسابرسی و کارآیی سرمایه‌گذاری. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۰ (۲)، ۴۲-۱۹.

[۵] بذرافشان، آ.، و عارف‌منش، ز. (۱۳۹۳). رفتار سود در شرکت‌های ورشکسته: نقش حسابرس. *مدیریت دارایی و تأمین مالی*، ۲ (۴)، ۱-۱۴.

www.SID.ir

Archive of SID

[۶] بندریان، الف.، و وحیدی‌الیزئی، الف.، و مقصودی، ف. (۱۳۹۷). تأثیر تعدیل‌کنندگی کیفیت و تداوم حسابرسی بر رابطهٔ بین ساختار مالکیت و مدیریت سود. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۱۰ (۳۷)، ۲۱۴-۱۹۵.

[۷] بولو، ق. (۱۳۸۵). نظام راهبری شرکت و تأثیر آن بر کیفیت سود. *مجله بورس*، ۵۲، ۱۱-۸.

[۸] داوری، ع.، و رضازاده، آ. (۱۳۹۳). *مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم‌افزار PLS*. تهران: جهاد دانشگاهی.

[۹] رضایی، ش.، و محمدزاده، الف. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی و بحران مالی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *مجلهٔ مدیریت توسعه و تحول*، ۳۲، ۸۸-۸۱.

[۱۰] رهنمای‌رودپشتی، ف.، و اصلانی، ع. (۱۳۸۷). بررسی ارتباط بین حاکمیت شرکتی و روش‌های تأمین مالی و سودآوری در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *مجلهٔ مدیریت*، ۷۸، ۴۵-۵۳.

[۱۱] صالحی، الف.، بزرگمهریان، ش.، و امینی، الف. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر پایداری سود (مطالعهٔ موردی: شرکت‌های درماندهٔ مالی نسبت به دیگر شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران). *فصلنامهٔ علمی - پژوهشی حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۵ (۲۰)، ۵۹-۴۷.

[۱۲] صالحی، م.، موسوی‌شبیری، م.، و سدیرنوغانی، ح. (۱۳۹۲). بررسی رابطهٔ بین حق‌الزحمهٔ حسابرسی و عملکرد شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *فصلنامهٔ حسابداری مالی*، ۵ (۲۰)، ۲۱-۱.

[۱۳] علوی‌طبری، ح.، و هاشمیان، م. (۱۳۹۰). تأثیر کیفیت حسابرسی بر تصمیمات تأمین مالی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش حسابداری*، ۱ (۱)، ۱۷-۱.

[۱۴] محسنین، ش.، و اسفیدانی، م. (۱۳۹۳). *معادلات ساختاری مبتنی بر رویکرد حداقل مربعات جزئی به کمک نرم‌افزار* Smart-PLS. تهران: مهربان.

[۱۵] نمازی، م.، و بایزیدی، الف.، و جبازاده‌کنگرلویی، س. (۱۳۹۰). بررسی رابطهٔ بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، ۳ (۹)، ۲۱-۴.

[۱۶] نوروش، الف.، مشایخی، ب.، و برقعی، ز. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر اقلام تعهدی بر کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار. *فصلنامهٔ حسابداری مالی*، ۱ (۳)، ۵۳-۳۱.

References

[17] Agahi Oskuei, A., & Maleki, M. (2014). Investigating the relationship between corporate governance and economic value added in manufacturing companies accepted in Tehran Stock Exchange. *Asset Management and Financing*, 2 (4), 75-96. (in persian).

[18] Alavi Tabari, S. H., & Hashemian, S. M. (2011). Effect of audit quality on financing decisions in companies acquired in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting Research*, 1 (1), 1-17. (in persian). Doi: 10.22051/ijar.2013.426.

[19] Alzoubi, E. S. S. (2018). Audit quality, debt financing and earnings management: Evidence from Jordan. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 30, 69-84. https://doi.org/10.1016/j.intaccaudtax.2017.12.001.

[20] Amiri, H., & Mohammadi Khorzughi, H. (2013). Analysis of the relationship between debt financing and earnings quality of listed companies in Tehran Stock Exchange.

www.SID.ir

Archive of SID

[30] Beatty, A., & Weber, J. (2003). the effects of debt contracting on voluntary accounting method changes. *the Accounting Review*, 78 (1), 119-142.

[31] Bhatia, A., Ali, M. J., Balachandran, B., & Jurdi, D. (2015). Audit fees and capital structure decision. http:// www.ssrn.com.

[32] Black, B. S. (1992). Institutional investors and corporate governance: the case for institutional voice. *Journal of Applied Corporate Finance*, 5 (3), 19-32. https://doi.org/10.1111/j.1745 6622.1992.tb00223.x

[33] Bolu, G. (2007). Corporate governance and its impact on the earning quality. *Exchange Magazine*, 52, 8-11. (in persian).

[34] Brailsford, T. J., Oliver, B. R., & Pua, S. L. (2002). on the relation between ownership structure and capital structure. *Accounting & Finance*, 42 (1), 1-26. https://Doi.org/10.1111/1467-629X.00001.

[35] Brown, L. D., & Caylor, M. L. (2006). Corporate governance and firm valuation. *Journal of Accounting and Public Policy*, 25, 409-434. https://Doi.org/10.1016/ j.jaccpubpol.2006.05.005.

[36] Broye, G., & Weill, L. (2008). Does leverage influence auditor choice? a cross-country analysis. *Applied Financial Economics*, 18 (9), 715-731. Doi: 10.1080/09603100701222325.

[37] Burgstahler, D., & Dichev, I. (1997). Earnings management to avoid earnings decreases and losses. *Journal of Accounting And Economics*, 24 (1), 99-126. https://doi.org/10.1016/S0165-4101(97)00017-7.

[38] Bushee, B. J. (1998). the influence of institutional investors on myopic R&D investment behavior. *Accounting Review*, 73 (3), 305-333.

[39] Chan, K., Chan, L. K., Jegadeesh, N., & Lakonishok, J. (2006). Earnings quality and stock returns. *Journal of Business*, 79 (3), 1-42. http://dx.doi.org/10.1086/500669.

[40] Parsa, S., Chong, G., & Isimoya, E. (2007). Disclosure of governance information by small and medium-sized companies. *Corporate Governance: the International Journal of Business in Society*, 7 (5), 635-684. https://doi.org/10.1108/ 14720700710827211.

[41] Damodaran, A. (2002). *Investment Valuation: Tools and Techniques for Quarterly Financial Accounting Journal*, 4 (16), 61-81. (in persian).

[21] Ansari, A., Nedapour, G., & Shirzad, A. (2013). Investigating the company's performance on the real earning management and the overall level of earnings management in companies admitted to Tehran Stock Exchange. second conference on reviewing solutions for management Issues, accounting, industrial engineering in organizations. (in persian).

[22] Anuar, H., & Chin, O. (2016). the development of debt to equity ratio in capital structure model: A case of micro franchising. *Procedia Economic and Finance*, 35, 274-280. https://Doi.org/10.1016/S2212-5671(16)00034-4.

[23] Badavar Nahandi, Y., & Taghizadeh Khanghah, V. (2014). Investigating the relationship between audit quality and investment efficiency. *Accounting and Audit Reviews*, 20 (2), 19-42. (in persian).

[24] Bae, G. S., & Choi, S. U. (2012). Do industry specialist auditors improve investment efficiency? http:// www.ssrn.com. http://dx. Doi.org/10.2139/ ssrn.2145191.

[25] Bandarian, A., Vahidi Elizooei, A., & Maghsudi, F. (2018). the effect of quality moderation and continuity of audit on the relationship between ownership structure and profit management. *the Financial Accounting and Auditing Researches*, 10 (37), 195-213. (in persian).

[26] Bartov, E. (1993). the timing of asset sales and earnings manipulation. *Accounting Review*, 68 (4), 840-855.

[27] Bartov, E., Radhakrishnan, S., & Krinsky, I. (2000). Investor sophistication and patterns in stock returns after earnings announcements. *the Accounting Review*, 75 (1), 43-63. https://doi.org/10.2308/accr. 2000.75.1.43.

[28] Bassiouny, S. W., Soliman, M. M., & Ragab, A. (2016). the impact of firm characteristics on earnings management: An empirical study on the listed firms in Egypt. *the Business and Management Review*, 7 (2), 91-101.

[29] Bazr afshan, A., & Aref manesh, Z. (2014). Profit behavior in bankrupt companies: the role of an auditor. *Asset Management and Financing*, 2 (4), 1-14. (in persian).

www.SID.ir

Archive of SID

118 (1), 107-156. https://doi.org/10.1162/00335530360535162.

[53] Gul, F. A., Fung, S. Y. K., & Jaggi, B. (2009). Earnings quality: Some evidence on the role of auditor tenure and auditors' industry expertise. *Journal of Accounting and Economics*, 47 (3), 265-287. https://doi.org/10.1016/j.jacceco.2009.03.001.

[54] Henseler, J., Ringle, C. M., & Sinkovics, R. R. (2009). The use of partial least squares path modeling in international marketing. *Advances in International Marketing*, 20, 277-320. https://doi.org/10.1108/S1474-7979(2009)0000020014.

[55] Hulland, J. (1999). Use of partial least squares (PLS) in strategic management research: A review of four recent studies. *Strategic Management Journal*, 20, 195-204. Doi:10.1002/(SICI)1097-0266(199902)20:2<195::AID-SMJ13>3.0.CO.2-7.

[56] Ittonen, K. (2010). *A Theoretical Examination of the Role of Auditing and Relevance of Audit Reports. Business Administration 28, Accounting and Finance*, University of Vaasa. http://www.uva.fi/material.

[57] Jung, K., & Kwon, S. Y. (2002). Ownership structure and earnings informativeness: Evidence from Korea. *the International Journal of Accounting*, 37 (3), 301-325. https://doi.org/10.1016/S0020-7063(02)00173-5.

[58] Lin, J. W., & Hwang, M. I. (2010). Audit quality, corporate governance and earnings management: A meta-analysis. *International Journal of Auditing*, 14 (1), 57-77. https://doi.org/10.1111/j.1099-1123.2009.00403.x.

[59] Matsumoto, D. A. (2002). Management's incentives to avoid negative earnings surprises. *the Accounting Review*, 77 (3), 483-514. https://Doi.org/10.2308/accr.2002.77.3.483.

[60] Mayhew, B., & Wilkins, M. (2003). Audit firm industry specialization as a differentiation strategy: Evidence from fees charged to firms going public auditing. *A Journal of Practice & Theory*, 22 (2), 33–52. https://doi.org/10.2308/aud.2003.22.2.33.

[61] Mohsenin, S., & Sfidani, M. R. (2014). *Structural equations based on partial least Determining the Value of any Asset.* United States of America: Wiley.

[42] Das, S., & Pandit, S. (2010). Audit quality, life-cycle stage and the investment efficiency of the firm. www.ssrn.com.

[43] Davari, A., & Reza zadeh, A. (2014). *Modeling Structural Equations with PLS Software*. Tehran: Jahad University Press. (in persian).

[44] DeAngelo, H., DeAngelo, L., & Skinner, D. J. (1994). Accounting choice in troubled companies. *Journal of Accounting and Economics*, 17 (1-2), 113-143. https://doi.org/10.1016/0165-4101(94)90007-8.

[45] Dechow, P. (1994). Accounting earnings and cash flows as measures of firm performance the role of accounting accruals. *Journal of Accounting and Economic*, 18 (1), 3-42. https://doi.org/10.1016/0165-4101(94)90016-7.

[46] Dittmar, A., & Mahrt-Smith, J. (2007). Corporate governance and the value of cash holdings. *Journal Of Financial Economics*, 83 (3), 599-634. https://doi.org/10.1016/j.jfineco.2005.12.006.

[47] Doyle, J. T., Ge, W., & McVay, S. (2007) Accruals quality and internal control over financial reporting. *the Accounting Review*, 82 (5), 1141-1170. https://doi.org/10.2308/accr.2007.82.5.1141.

[48] Eshleman, J. D., & Guo, P. (2014). Abnormal audit fees and audit quality: the importance of considering managerial incentives in tests of earnings management. *Auditing: a Journal of Practice & Theory*, 33 (1), 117-138. https://doi.org/10.2308/ajpt-50560.

[49] Financial Accounting Standards Board. (2003). Statement of Financial Accounting Standards.

[50] Fornell, C., & Larcker, D. F. (1981). Evaluating structural equation models with unobservable variables and measurement error. *Journal of Marketing Research*, 18 (1), 39-50. https://doi.org/10.1177/002224378101800104.

[51] Francis, J., LaFond, R., Olsson, P., & Schipper, K. (2004). Costs of equity and earnings attributes. *the Accounting Review*, 79, 967-1010. 10.2308/accr.2004.79.4.967.

[52] Gompers, P., Ishii, J., & Metrick, A. (2003). Corporate governance and equity prices. *the Quarterly Journal of Economics*,

www.SID.ir

Archive of SID

[67] Rezaei, Sh. & Mohammadzadeh, A. (2018). Investigating the effect of corporate governance on financial performance and financial crisis in companies listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Development Evolution Management*, 32, 81-88. (in persian).

[68] Salehi, A., Bozorgmehrian, S., & Amini, A. (2016). Investigating the effect of audit quality on earnest stability. case study: Helpless financial companies compared to other Tehran Stock Exchange companies. *Journal of Management Accounting and Auditing*, 5 (20), 47-59. (in persian).

[69] Salehi, M., Mousavi Shabiri, M., & Sadir Noghani, H. (2014). Investigating the relationship between auditor fees and the performance of listed companies in Tehran Stock Exchange. *Quarterly Financial Accounting Journal*, 5 (20), 1-21. (in persian).

[70] Schipper, K., & Vincent, L. (2003). Earnings quality. *Accounting Horizons*, 17, 97-110.

[71] Wang, S. F., Jou, Y. J., Chang, K. C., & Wu, K. W. (2014). Industry competition, agency problem and firm performance. *Romanian Journal of Economic Forecasting*, 17 (4), 76-93.

[72] Watts, R. L., & Zimmerman, J. L. (1978). Towards a positive theory of the determination of accounting standards. *Accounting Review*, 53 (1), 112-134.

squares approach using Smart-PLS software. Tehran: Book Publishing Institute. (in persian).

[62] Namazi, M., Bayazidi, A., & Jabbar Zadeh Kangarluei, S. (2011). Investigating the relationship between audit quality and earnings management of companies accepted in Tehran Stock Exchange. *Accounting and Auditing Research*, 3 (9), 4-21. (in persian).

[63] Noe, T. (2002). Institutional activism and financial market structure. *Review of Financial Studies*, 15, 289-315. https://doi.org/10.1093/rfs/15.1.289.

[64] Nowravesh, I., Mashayekhi, B., & Baraghei, Z. (2009). Investigating the effect of accruals on earnings quality in companies admitted to the stock exchange. *Quarterly Financial Accounting*, 1 (3), 31-53. (in persian).

[65] Peasnell, K. V., Pope, P. F., & Young, S. (2005). Board monitoring and earnings management: Do outside Directors influence abnormal accruals? *Journal of Business Finance & Accounting*, 32 (7-8), 1311-1346. https://Doi.org/10.1111/j.0306-686X.2005.00630.x.

[66] Rahnamaye Roudposhti, F., & Aslani, A. (2008). Investigating the relationship between corporate governance and financing methods and profitability in the companies acquired in Tehran Stock Exchange. *Journal Management System*, 78, 45-53. (in persian).

www.SID.ir